

«زبان‌شناسی مقابله‌ای»^۱

مؤلف: محمد حسین کشاورز

ناشر: رهنما

سال نشر: ۱۳۷۸

نوبت چاپ: سوم

محل نشر: تهران

تعداد صفحات: ۱۶۰

بررسی شکلی

- کتاب مورد بررسی اثری بسیار خوب و قابل تحسین است. قلم زدن در این حوزه جالب از پژوهش‌های زبان‌شناختی، گواه تسلط مولف بر مباحث مطروحه است. در کنار این محاسن آن‌چه جای کار دارد، کاستن انتظارات مولف از دانشجویان است.
- قواعد ویرایش و نگارش در کتاب رعایت شده است. البته برخی از جملات و عبارتها برای دانشجویان ثقیل است.
- متن تایپ شده چندان چشم‌نواز نیست. از نظر صفحه‌آرایی متن قدری خسته‌کننده است. یکی از ایرادات کتاب درج اصطلاحات علمی هم با حروف ایرانیک هم با فونت سیاه است. طرح جلد با محتوای کتاب همخوانی ندارد.
- حجم اثر با تعداد واحدهای درسی تناسب دارد. جز آن‌که کتاب مطالب زیادی را به نادرستی در اطلاعات دانشجو پیش‌فرض گرفته و به دشواری کتاب افزوده است.
- در چاپ قبلی مقدمه‌ای برای چاپ دوم به فارسی به قلم مولف محترم وجود دارد که پس از آن پیشگفتار و نیز «سخنی چند درباره کتاب حاضر» وجود داشت که در

1. contrastive analysis and error analysis

۵۰ نقدنامه کتب و متون زبان انگلیسی

ویراست جدید (۱۹۹۹) حذف شده و جای خود را به دو نمایه (index) داده است که یکی مربوط به موضوعات مطروحه و دیگری مربوط به نویسندگانی است که از آن‌ها ذکری به میان آمده است. همچنین مقدمه‌ای بسیار کوتاه به انگلیسی برای ویراست جدید (۱۹۹۹) در آغاز کتاب صفحه (viii) درج شده است. چاپ جدید از این جهت بر چاپ‌های قبلی رجحان دارد که اغلاط موجود در چاپ‌های پیشین تصحیح شده و صفحه حقوقی copyright page از پایان کتاب به پشت صفحه عنوان منتقل شده و جزئیات کتاب‌شناسی بیشتری را در بر گرفته است.

□ اصطلاحات علمی در این اثر به خوبی و متناسب با آن چه مرسوم و متداول است به کار رفته‌اند.

□ جامعیت محتوا و موضوع اثر با توجه به اهداف درس خوب و با عنوان و فهرست آن منطبق است.

□ این کتاب برای تدریس مناسب است. لیکن اغلب دانشجویان دوره کارشناسی اظهار می‌دارند که زبان آن اندکی ثقیل است و اصولاً کتاب درسی به مفهوم یک textbook استاندارد نیست هر چند که مطالب مندرج در آن سودمند است.

□ شاید اگر مقدمه‌ای نسبتاً کوتاه ولی حاوی اهم پیش‌فرض‌های نظری در آغاز هر فصل می‌آمد، کتاب سودمندتر می‌شد.

□ نظم منطقی و انسجام مطالب در هر فصل و در کل اثر خوب است. تنها ایراد کتاب این است که چگونگی حرکت از تجزیه و تحلیل مقابله‌ای به سوی تجزیه و تحلیل خطاها برای دانشجویان چندان روشن نشده است.

□ از منابع موجود برای تبیین موضوعات مورد بحث به قدر کفایت استفاده شده است. البته مولف محترم می‌توانست از داده‌های زبان فارسی و یا گویش‌های ایرانی برای ذکر شواهد و مثال‌های بیشتر کمک بگیرد. همچنین شایسته بود به مقالاتی که در مجله language in context چاپ می‌شود هم، اشاره می‌شد.

□ در پایان کتاب واژه‌نامه مختصری وجود دارد.

بررسی محتوایی

کتاب از دو بخش عمده تشکیل شده است: یکی تجزیه و تحلیل مقابله‌ای و دیگری تجزیه و تحلیل خطاهای زبانی. این دو قسمت از تناسب لازم با یکدیگر برخوردار نیست. بخش اول ۳۵ صفحه و بخش دوم ۹۲ صفحه دارد. یعنی تقریباً سه برابر بخش اول. این عدم موازنه پی‌آمدهایی نیز دارد که ذیلاً بدان‌ها پرداخته می‌شود:

۱- سبک و سیاق انگلیسی کتاب چندان user-friendly نیست. به تجربه، چندین گروه از دانشجویان دوره کارشناسی زبان انگلیسی (گرایش دبیری)، اغلب از معلق بودن (و نه غلط بودن) بیان و عبارت پردازی کتاب گله داشتند.

فصل اول کتاب، ناگهانی و بدون درج برخی بحث‌های مقدماتی، دانشجو را به بحث خانواده‌های زبانی و زبان‌شناسی تاریخی سوق می‌دهد. شاید بهتر بود که از اصطلاحات سوسوری «زبان‌شناسی در زمانی» در مقابل «زبان‌شناسی همزمانی» و اساساً حرکت زبان‌شناسی و سمت و سوی آنها به کشف ویژگی‌های مشترک میان زبان‌های هم‌خانواده و غیر هم‌خانواده صحبت به میان می‌آمد سپس به زبان‌شناسی تاریخی تطبیقی و جز آن پرداخته می‌شد. آنچه در صفحه ۲ کتاب آمده است، نشانگر نوعی تلاش برای کشف ویژگی‌ها یا اصول جهانی حاکم بر زبان‌های بشری است، در حالی که همین موضوع و اهمیت نظری و کاربردهای آموزشی آن به صراحت و شفاف گفته نشده است.

۲- در همان صفحه ۲، از مقایسه فارسی باستان و فارسی نوین صحبت شده است، ولی دیگر هیچ مسئله‌ای به طور نمونه هم بر اساس این داده‌ها یا لااقل مقایسه میان انگلیسی و فارسی صورت نگرفته است.

۳- از آن جا که مخاطبان کتاب دانشجویان ایرانی هستند، شایسته‌تر می‌بود که مثال‌ها تا حد زیادی بر پایه داده‌هایی از گویش ایرانی و خانواده هند و ایرانی باشند (مانند فارسی، کردی، مازندرانی، گیلکی و جز آن).

۴- از آنجا که هدف از تجزیه و تحلیل مقابله‌ای به دست دادن ابزاری برای پیش‌بینی و توضیح دادن تمایزات و مشابهت‌های زبان‌هاست، اتخاذ مبنای نظری معینی ضروری می‌نماید. چنین مبنای نظری که بر اساس آن داده‌های دو زبان در سطوح گوناگون تحلیل شود (از واج‌شناسی گرفته تا تجزیه و تحلیل گفتمان)، به دست داده نشده است، تجزیه و تحلیل مقابله‌ای که در آن مبنای نظری مطالعه مشخص نباشد، کاری بیهوده است و فاقد توان توضیحی برای پدیده‌های به ظاهر ناهماهنگ زبانی در دو یا چند زبان

۵۲ نقدنامه کتب و متون زبان انگلیسی

است. از این رو تنوع و تأکید نحله‌های گوناگون زبان‌شناسی ضرورت معرفی و اتخاذ دست کم یک مبنای تئوریک را اجتناب ناپذیر می‌نماید.

۵ - در صفحه ۱۷ کتاب، مفهوم نشان‌داری (markedness) ذکر شده است ولی اصلاً به مفهوم آن ولو در ذیل مفاهیمی همچون marked و unmarked یا به پیشینه این مفهوم از زمان شکوفایی مکتب زبان‌شناسی پراگ اشاره نشده است. از آن‌جا که مفهوم نشان‌داری یکی از مفاهیم مهم در مطالعات زبان‌شناسی است، شایسته توجه بیشتری است.

۶ - فصل‌های کتاب غالباً تمرین یا پرسش ندارند. تنها یکی دو فصل آخر کتاب حاوی پرسش و تمرین است، در حالی که برای فصل‌هایی که از جنبه‌های تئوریک عمیقی برخوردار است، تمرین گنجانده نشده است.

۷ - شاید بهتر بود که در آغاز کتاب فصلی در خصوص مبانی زبان‌شناختی گنجانده می‌شد یا با اتخاذ چشم‌اندازی تئوریک همراه با ذکر نام مکاتب و چهره‌های برجسته زبان‌شناسی، حوزه کار به بحث کشیده می‌شد سپس دلیل یا دلایل اتخاذ یک یا چند نظریه به عنوان مسیر حرکت در کتاب آورده می‌شد. برای نشان دادن مفاهیم مندرج در فصل ۲، خصوصاً مرحله‌ای که از پریتر prater نقل قول شده است، آوردن مثال‌هایی در سطح تحلیل معنایی یا ساختوازی می‌تواند بیشتر به شفاف شدن رسالت کتاب کمک نماید. از آن‌جا که مخاطبان اولیه کتاب دانشجویان ایرانی هستند، آوردن مثال‌هایی از زبان‌ها و لهجه‌های متداول در ایران به جذابیت کتاب می‌افزاید و با این روش، هم دانشجویان در عمل با سطوح مختلف زبانی سر و کار پیدا می‌کنند. هم با فنون تحلیل تجربه می‌اندوزند هم خواهند دانست که دانش زبان‌شناسی اگر به کار تحلیل پدیده‌های زبان‌شناسی نیاید، اساساً علمی فراگرفته نشده است.